

## بررسی ویژگی‌های حالت دستوری آزاد در زبان آلمانی

کاوه بهرامی سبحانی<sup>۱</sup>

CLLS-2401-1232

### چکیده

حالت، مقوله‌ای دستوری است که از طریق آن، نقش نحوی واژه‌ها در جمله تعیین می‌شود. زبان آلمانی چهار حالت دستوری دارد: حالت فاعلی، حالت مفعول صریح، حالت مفعول غیرصریح و حالت مفعول اضافی. حالت‌های دستوری روی گروه‌های اسمی جمله نشانه‌گذاری می‌شوند و از این طریق می‌توان به نقش نحوی گروه اسمی در جمله، پی‌برد. حالت دستوری از دو طریق اعطا می‌شود: حاکمیت حالت و مطابقت حالت. اما نوع سوم حالت دستوری به نام حالت دستوری آزاد نیز وجود دارد که تحت‌تأثیر هیچ عاملی در جمله نیست. حالت دستوری آزاد بیش از آن‌که با ویژگی‌های نحوی جمله در ارتباط باشد، با نقش‌های معنایی مرتبط است. موضوع این جستار، معرفی حالت دستوری آزاد و نشان‌دادن راه‌های تشخیص آن از حالت دستوری است که از طریق عناصر گوناگون واژگانی اعطا می‌گردد. در این پژوهش سعی شده از طریق آزمون‌های گوناگون، نحوه تمیز حالت دستوری آزاد را نشان داد. همچنین با مقایسه دو گروه از زبان‌آموزان مشخص می‌شود که آگاهی از حالت دستوری آزاد، نقش بسزایی در تشخیص نقش‌های نحوی دارد.

واژگان کلیدی: حالت دستوری، نقش‌های دستوری، زبان آلمانی، نحو، آموزش زبان آلمانی

دوره بیست و یکم شماره ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، (نویسنده

مسئول)، ایمیل: k\_bahrami@sbu.ac.ir

<https://www.orcid.org/0000-0003-1358-7595>



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

## مقدمه

زبان آلمانی دارای چهار حالت دستوری<sup>۱</sup> است: حالت دستوری فاعلی<sup>۲</sup>، حالت دستوری مفعول صریح<sup>۳</sup>، حالت دستوری مفعول غیرصریح<sup>۴</sup> و حالت دستوری مفعول اضافی<sup>۵</sup>. وظیفه اصلی حالت دستوری، تعیین روابط نحوی-معنایی در جمله است. در زبان‌هایی که از توالی نسبتاً آزاد واژگان برخوردارند، حالت دستوری می‌تواند راه تشخیص نقش‌های دستوری و همچنین درک روابط معنایی را هموار سازد.

1. *Der* Dame hilft *die* Nachbarin.
2. *Die* Dame hilft *der* Nachbarin.

در مثال‌های بالا، مشاهده می‌شود که در نظر گرفتن توالی واژگان، کمکی به تشخیص نقش‌های دستوری (در اینجا: فاعل و مفعول غیرصریح) نمی‌کند. تنها با توجه به حالت دستوری است که می‌توان به نقش دستوری فاعل (در جمله اول: *die Nachbarin*) در جمله دوم: *die Dame*) و نقش دستوری مفعول غیرصریح (در جمله اول: *der Dame*) در جمله دوم: *der Nachbarin*) پی‌برد. همچنین حالت دستوری می‌تواند در تعیین نقش گروه‌های حرف اضافه‌ای، نقش بسزایی ایفا کند.

3. Der Hund läuft auf *der* Straße.
4. Der Hund läuft auf die Straße.

در نمونه‌های بالا ملاحظه می‌شود که در مورد اول، حالت دستوری مفعول غیرصریح (*auf der Straße*) و در مورد بعد، حالت دستوری مفعول صریح (*auf die Straße*) نمود پیدا کرده است.

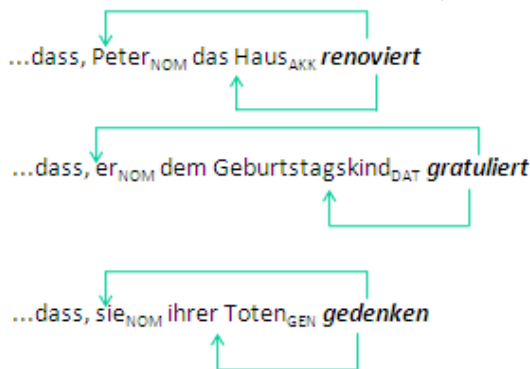
از سوی دیگر، حالت دستوری در ساختارهای اسنادی، حرف ربطی و بدل<sup>۶</sup> کمک ویژه‌ای به تشخیص و تعیین اسم مرجع<sup>۷</sup> دارد. به‌عنوان نمونه، در مثال‌های زیر مشاهده می‌شود که یک‌بار اسم مرجع ضمیر شخصی *ich* و در جمله بعدی، ضمیر شخصی *ihm*

- 
1. Kasus
  2. Nominativ
  3. Akkusativ
  4. Dativ
  5. Genitiv
  6. Apposition
  7. Bezugsnomen

در نظر گرفته شده است. این نتیجه‌گیری به سبب آن است که حالت دستوری گروه حرف ربطی (*als Student*) در مثال (۵) تحت‌تأثیر فاعل جمله (*ich*) و حالت دستوری گروه حرف ربطی (*als Studenten*) در مثال (۶) تحت‌تأثیر اسم مرجع یا همان مفعول صریح جمله (*ihn*) نمود یافته است.

5. *Ich* kenne ihn schon *als Student*.
6. *Ich* kenne ihn schon *als Studenten*.

در ادامه، به ذکر جزئیات بیشتری در این ارتباط می‌پردازیم. حالت دستوری از دو طریق شکل می‌گیرد: ۱. از طریق حاکمیت حالت<sup>۱</sup> و ۲. از طریق مطابقت حالت<sup>۲</sup>. حاکمیت حالت دستوری به رابطه نحوی میان دو عبارت زبانی گفته می‌شود. به این معنا که عنصر زبانی اول، ویژگی‌های دستوری عنصر زبانی دوم وابسته به آن را تعیین می‌کند. در زبان آلمانی، چهار مقوله‌واژگانی حالت دستوری اعطا می‌کنند: فعل، حرف اضافه، صفت و اسم.



تصویر ۱: اعطای حالت دستوری از طریق فعل

در تصویر بالا مشاهده می‌شود که فعل، هر چهار حالت دستوری فاعلی (در جمله اول: *Peter*، در جمله دوم: *er* و در جمله سوم: *sie*)، مفعول صریح (در جمله اول: *das Haus*)، مفعول غیرصریح (در جمله دوم: *dem Geburtstagskind*) و مفعول اضافی (*ihrer*)

1. Kasusreaktion
2. Kasuskongruenz

(Toten) را اعطا می‌کند.

durch den Unfall<sub>AKK</sub>

mit der Bahn<sub>DAT</sub>

angesichts der Umstände<sub>GEN</sub>

تصویر ۲: اعطای حالت دستوری از طریق حرف اضافه

از سوی دیگر، حروف اضافه، حالت دستوری مفعول صریح (در عبارت اول: *den* *Unfall*)، مفعول غیرصریح (در عبارت دوم: *der Bahn*) و مفعول اضافی (در عبارت سوم: *der Umstände*) را برای گروه اسمی وابسته به خود تعیین می‌کنند. صفت نیز مانند حرف اضافه، قادر به اعطای حالت دستوری فاعلی نیست و سه حالت دستوری غیرفاعلی را به گروه اسمی وابسته به خود اعطا می‌کند.

Heinz ist seinen Prinzipien<sub>DAT</sub> immer *treu* geblieben

Viele Bürger sind der Politik<sub>GEN</sub> *überdrüssig*

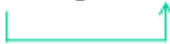
Die Anwohner waren den Straßenlärm<sub>AKK</sub> *gewohnt*

تصویر ۳: اعطای حالت دستوری از طریق حرف اضافه

در مثال‌های بالا، مشاهده می‌کنیم که در جملهٔ اول اسم *seinen Prinzipien* تحت تأثیر صفت *treu* در حالت مفعول غیرصریح واقع شده است. همچنین اسم *der Politik* در جملهٔ دوم، به دلیل صفت *überdrüssig* حالت دستوری مفعول اضافی را به خود گرفته است. از سوی دیگر در جملهٔ سوم، اسم *den Straßenlärm* به دلیل صفت *gewohnt* در حالت مفعول صریح واقع شده است. تنها حالت دستوری که از سوی اسم به گروه اسمی وابسته به

آن اعطا می‌شود، حالت دستوری مفعول اضافی است. اسم *der Stadt* در تصویر زیر، حالت مفعول اضافی خود را از اسم پیش از خود، *die Zerstörung* دریافت کرده است.

Die Zerstörung der Stadt<sub>GEN</sub>



تصویر ۴: اعطای حالت دستوری از طریق اسم

اما در نوع دوم تخصیص حالت دستوری که به مطابقت حالت دستوری شناخته می‌شود، گروه اسمی حالت دستوری گروه اسمی دیگری را، بی‌آنکه وابسته به آن باشد، از آن خود می‌کند. مطابقت حالت دستوری در گروه‌های اسمی اسنادی<sup>۱</sup>، گروه‌های حرف ربطی<sup>۲</sup> و بدل مشاهده می‌شود. گروه‌های اسمی اسنادی در همان حالت دستوری نمایان می‌شوند که اسم مرجع‌شان در آن واقع شده است. اسم مرجع برای گروه اسمی اسنادی فاعلی<sup>۳</sup>، فاعل جمله و برای گروه اسمی اسنادی مفعول صریح<sup>۴</sup>، مفعول صریح جمله است. در مثال زیر، ملاحظه می‌شود که گروه اسمی اسنادی (در این مثال: *Arzt*) همانند اسم مرجع خود (فاعل، در این جمله: *Felix* و *Tobias*) در حالت دستوری فاعلی واقع شده است. این مطابقت در ارتباط با فعل‌های ربطی (*sein, bleiben* و *werden*) مشاهده می‌شود.

7. Felix und Tobias<sub>NOM</sub> werden Arzt<sub>NOM</sub>

گروه اسمی اسنادی مفعول صریح، حالت دستوری مفعول صریح جمله را دریافت می‌کند و در ساختارهایی با فعل‌های *nennen, schimpfen* و *finden* مشاهده می‌شود. در مثال زیر ملاحظه می‌شود اسم *einen Lügner* حالت دستوری خود را از مفعول صریح جمله *ihn* دریافت کرده است.

8. Ich nenne ihn<sub>AKK</sub> einen Lügner<sub>AKK</sub>

در گروه‌های حرف ربطی نیز که با *als* و *wie* ساخته می‌شوند، گروه حرف ربطی با گروه مرجع خود مطابقت دارد.

1. Prädikative Nominalphrase
2. Konjunktionalphrase
3. Prädikativer Nominativ
4. Prädikativer Akkusativ

9. *Ihm*DAT *als erfahrenem Autofahrer*DAT hätte das nicht passieren dürfen.
10. Wir werden *ihn*AKK *als guten Menschen*AKK in Erinnerung behalten.

در مثال (۹) ملاحظه می‌شود که گروه حرف ربطی (*als erfahrenem Autofahrer*) در حالت دستوری مفعول غیرصریح قرار گرفته است. علت آن، واقع شدن اسم مرجع آن، یعنی (*ihm*) در همین حالت دستوری است. در مثال (۱۰) نیز گروه حرف ربطی (*als guten Menschen*) در تطابق با مفعول صریح جمله (*ihn*)، در حالت دستوری مفعول صریح واقع شده است.

ساخت دیگری که در آن مطابقت حالت دستوری مشاهده می‌شود، بدل نام دارد. بدل، گروه اسمی است که در قالب توصیف‌گر، گروه اسمی پیش از خود را وصف می‌کند. گروه اسمی عهده‌دار نقش بدل، پس از گروه اسم مرجع واقع می‌شود و با حالت دستوری اسم مرجع مطابقت دارد، بی‌آنکه حرف ربطی بین این دو واقع شده باشد.

11. Das Auto, *ein Fiat*NOM, fuhr schnell über den Weg.
12. Esther ist Herrn Müller, *ibrem Klassenlehrer*DAT, begegnet.

در مثال‌های بالا، مشاهده می‌کنیم که *ein Fiat* با حالت دستوری فاعلی برای اسم *das Auto* با نقش فاعل و همچنین *ibrem Klassenlehrer* با حالت دستوری مفعول غیرصریح برای اسم *Herrn Müller* با نقش دستوری مفعول غیرصریح، نقش بدل را ایفا می‌کند. در نمونه‌هایی که تا کنون مطرح شد، حالت دستوری یا از طریق حاکمیت حالت یا مطابقت حالت پدید آمده است. اما نوع دیگری از حالت دستوری نیز در زبان آلمانی به نام «حالت دستوری آزاد»<sup>۱</sup> مشاهده می‌شود. پیچیدگی‌های این حالت که در ادامه به آن اشاره می‌شود، این است که علت پیدایش آن در جمله مشخص نیست و از سوی زبان‌آموزان معمولاً به عنوان مفعول وابسته به فعل در نظر گرفته می‌شود. در این پژوهش سعی بر آن است که علاوه بر معرفی حالت دستوری آزاد و انواع آن، راه‌های تشخیص این نوع حالت دستوری از سایر حالت‌های دستوری که از طریق عناصر واژگانی در جمله اعطا شده، نشان داده شود. پرسش پژوهش حاضر به این نکته بازمی‌گردد که زبان‌آموزان تا چه حد با حالت دستوری آزاد آشنا هستند؟ آیا زبان‌آموزان نقش‌های نحوی که از طریق

1. Freier Kasus

حالت دستوری آزاد شکل گرفته‌اند را از نقش‌های نحوی وابسته به فعل جمله تشخیص می‌دهند؟ فرضیه پژوهش بر این نکته تاکید دارد که عدم اطلاع از حالت دستوری آزاد، زبان‌آموزان را در تشخیص نقش‌های نحوی، با مشکلاتی روبرو می‌کند. از همین رو در بخش عملی پژوهش، از دو گروه از زبان‌آموزان درخواست شد در آزمونی در همین زمینه شرکت و نقش‌های نحوی مورد نظر را تعیین کنند.

### پیشینه پژوهش

ساحل<sup>۱</sup> در کتابی با عنوان «حالت دستوری» که در سال ۲۰۱۸ منتشر شده، به‌طور مفصل به ابعاد مختلف این موضوع پرداخته است. وی در این کتاب علاوه بر طرح موضوعاتی نظیر حاکمیت حالت دستوری، مطابقت حالت دستوری، ارتباط میان نقش‌های معنایی و حالت دستوری، به نحوه فراگیری حالت دستوری در میان کودکان نیز پرداخته است. چپلوخ<sup>۲</sup> نیز در اثر خود که در سال ۱۹۹۶ منتشر شد، به مقایسه حالت دستوری در زبان‌های آلمانی و انگلیسی پرداخته است. از سوی دیگر، دورشاید<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) نیز در کتاب خود با عنوان «حالت دستوری قیدی در زبان آلمانی» سعی بر آن دارد تا تعریف و توصیفی جامع از حالت دستوری از منظر نحو و معنا ارائه کند. همچنین آیزنبایس<sup>۴</sup> در مقاله خود در سال ۱۹۹۴ به موضوع ارتباط میان حالت دستوری و توالی واژه‌ها در زبان آلمانی پرداخته و فراگیری این موضوعات را در ارتباط با زبان اول (زبان مادری) مورد بررسی قرار داده است. مارکس<sup>۵</sup> در مقاله خود (۲۰۱۴) به موضوع آموزش حالت دستوری به دانش‌آموزان مهاجر و دشواری‌های این مسیر برای مدرسان زبان، پرداخته است. همچنین فاتر<sup>۶</sup> (۲۰۰۶) در مقاله خود به ویژگی‌های حالت دستوری در ساخت بدل اشاره دارد. وی در سال (۲۰۱۵) طی پژوهش دیگری، تغییرات و نوسانات حالت دستوری را در زبان آلمانی معاصر مورد بررسی قرار داده است. اگروا<sup>۷</sup> (۲۰۰۶) به حالت دستوری در زبان آلمانی در رساله دکتری خود پرداخته و نقش قیدی مفعول صریح و مفعول اضافی در گروه‌های اسمی و حالت دستوری مربوط به آن‌ها را بررسی نموده

1. Sahel
2. Czepluch
3. Dürscheid
4. Einsenbeiß
5. Marx
6. Vater
7. Egorova

است. اگر او در پژوهش خود سعی داشته تا حالت دستوری را هم از نظر هم‌زمانی و هم با رویکرد در زمانی با ارائه نمونه‌هایی مورد ارزیابی قرار دهد.

### بحث و بررسی

همان‌طور که اشاره شد، حالت دستوری در زبان آلمانی از روش سومی نیز نمایان می‌شود که موضوع اصلی مقاله حاضر است. این نوع دریافت حالت دستوری نه از طریق حاکمیت حالت و نه مطابقت حالت دستوری، صورت گرفته و از همین رو «حالت دستوری آزاد» نامیده می‌شود. حالت دستوری آزاد در موارد زیر مشاهده می‌شود: حالت مفعول صریح آزاد<sup>۱</sup>، حالت مفعول غیر صریح آزاد<sup>۲</sup> و حالت مفعول اضافی آزاد<sup>۳</sup>. ملاحظه می‌شود که به جز حالت دستوری فاعلی، هر سه حالت دستوری غیر فاعلی به صورت آزاد، یا به عبارتی بدون حاکمیت و مطابقت حالت، در دسترس هستند.

**حالت مفعول صریح آزاد:** این حالت دستوری برای بیان میزان و مقدار یک واحد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عنوان نمونه، برای بیان میزان مسافت (مثال ۱۳)، وزن (مثال ۱۴)، دما (مثال ۱۵) و مبلغ (۱۶). برای بیان قید زمان نیز می‌توان از حالت مفعول صریح آزاد استفاده کرد (مثال ۱۷).

13. Bis zum Flughafen sind es noch 20 Kilometer.
14. Er wiegt 80kg.
15. Die Temperatur beträgt 25°C.
16. Der Eintritt kostet für Kinder unter zehn Jahren nur die Hälfte.
17. Wir haben die ganze verfügbare Zeit geschlafen.

اما راه تشخیص حالت مفعول صریح آزاد از مفعول صریح وابسته به فعل چیست؟ در اینجا با ارائه آزمون‌هایی، راه تشخیص این دو حالت دستوری را ارائه می‌دهیم. آزمون نخست، نشان می‌دهد که در حالت مفعول صریح آزاد برخلاف مفعول صریح وابسته به فعل، امکان جایگزینی با ضمیر وجود ندارد. به عنوان مثال، چنانچه در جمله‌های (۱۶) و (۱۷)، حالت مفعول صریح آزاد را با ضمیر شخصی (*sie*) جایگزین کنیم، با ساختارهایی غیر دستوری روبرو خواهیم شد؛ مثال‌های (۱۸) و (۱۹).

- 
1. Freier Akkusativ
  2. Freier Dativ
  3. Freier Genitiv



18. \*Der Eintritt kostet für Kinder unter zehn Jahren nur sie.  
 19. \*Wir haben sie geschlafen.

آزمون دیگر برای تشخیص حالت مفعول صریح آزاد از مفعول صریح وابسته به فعل، آزمون پرسش‌پذیری است. حالت مفعول صریح آزاد برخلاف مفعول صریح وابسته به فعل جمله، از طریق کلمه‌های پرسشی *was* و *wen* پرسش‌پذیر نیست. نمونه‌های زیر را مشاهده می‌کنیم.

20. \*Was wiegt er?  
 21. \*Was beträgt die Temperatur?

ملاحظه می‌شود که استفاده از کلمات پرسشی متداول برای مفعول صریح وابسته به فعل جمله، در این موارد، پرسشی نادرستی را به همراه خواهد داشت. اما روش سوالی کردن حالت مفعول صریح آزاد، استفاده از کلمه پرسشی *wie* به همراه صفت یا قید است. به عنوان مثال، برای سوالی کردن حالت مفعول صریح آزاد در مثال (۱۴)، از ترکیب *wie viel* استفاده می‌شود. همچنین برای سوالی کردن مثال (۱۵) می‌توان از ترکیب *wie hoch* استفاده نمود.

22. Wie viel wiegt er?  
 23. Wie hoch beträgt die Temperatur?

**حالت مفعول غیرصریح آزاد:** شامل پنج گروه می‌شود: حالت مفعول غیرصریح بهره‌ور<sup>۱</sup>، حالت مفعول غیرصریح متضرر<sup>۲</sup>، حالت مفعول غیرصریح ملکی<sup>۳</sup>، حالت مفعول غیرصریح نظرگاه<sup>۴</sup> و حالت مفعول غیرصریح شدت‌نما<sup>۵</sup>. در ادامه، با ارائه نمونه‌هایی هر یک از انواع حالت مفعول غیرصریح آزاد را معرفی می‌کنیم:

24. Ich öffne dem Passanten die Tür.  
 25. Sie hat mir die alte Vase der Großmutter zerbrochen.  
 26. Er ist seiner Tanzpartnerin auf die Füße getreten.  
 27. Die Aufgabe ist dem kleinen Kind zu schwer.

1. dativus commodi  
 2. dativus incommodi  
 3. dativus possessivus  
 4. dativus iudicantis  
 5. dativus ethicus

28. Wenn er *mir* bloß nicht so viele Dummheiten gemacht hätte.

نکته قابل توجه دربارهٔ انواع حالت مفعول غیرصریح آزاد، این است که هیچ‌کدام از موارد فوق ارتباطی با ظرفیت فعل جمله ندارند. به بیانی دیگر، وابستگی نحوی میان این دسته از اجزای جمله با فعل وجود ندارد و تنها ارتباط معنایی در کانون توجه قرار گرفته است. با توجه به این ویژگی، تشخیص حالت مفعول غیرصریح آزاد از مفعول غیرصریح وابسته به فعل جمله، آسان می‌شود. از سوی دیگر، در تمامی موارد فوق، حذف حالت مفعول غیرصریح آزاد، صدمه‌ای به ساختار دستوری جمله نمی‌زند. علاوه بر این، در برخی از موارد مانند مثال (۲۴) می‌توان حالت مفعول غیرصریح آزاد را از طریق گروه حرف اضافه‌ای *für* جایگزین کرد.

29. Ich öffne *für den Passanten* die Tür.

این آزمون دربارهٔ مفعول غیرصریح وابسته به فعل، منجر به خطای دستوری می‌شود و از این طریق می‌توان حالت مفعول غیرصریح آزاد را از مفعول غیرصریح وابسته به فعل، تشخیص داد.

30. Ich gebe *meiner Schwester* das Buch.

31. \*Ich gebe *für meine Schwester* das Buch.

وضعیت مشابهی نیز دربارهٔ حالت مفعول غیرصریح متضرر مشاهده می‌شود. در نمونهٔ (۲۵) گروه اسمی *mir* در حالت مفعول غیرصریح، متعلق به ساختار موضوعی فعل *zerbrechen* نیست، بلکه این حضور صرفاً به دلیل معنای فعل ممکن شده است. در اغلب موارد، حالت مفعول غیرصریح بهره‌ور و حالت مفعول غیرصریح متضرر در یک گروه طبقه‌بندی می‌شوند، زیرا در هر دو معنای پایهٔ یکسانی بیان می‌شود. حامل عمل فعل یا بهره‌مند می‌شود که در این صورت بهره‌ور از عمل فعل است، یا لطمه می‌خورد که در این صورت از عمل فعل متضرر می‌شود.

حالت مفعول غیرصریح ملکی که نمونهٔ آن در مثال (۲۶) مشاهده می‌شود، رابطهٔ تعلق یا رابطهٔ جزء به کل را نشان می‌دهد. کریمی‌دوستان و همکار (۱۳۹۲: ۱۰۲-۱۰۳) در تعریف جزء‌واژگی آورده‌اند «این رابطه، یک رابطه جزء به کل است. نمونه‌های بارز آن عبارتند از: انگشت: دست، بینی: صورت، پرهی چرخ: چرخ، تیغه: چاقو، دیسک سخت:

رایانه، صفحه، کتاب و .... کلمه‌ای که به جزء اشاره می‌کند، جزءواژه و کلمه‌ای که به کل اشاره می‌کند، کل‌واژه خوانده می‌شود.» در مثال (۲۶) نیز ملاحظه می‌شود میان اسم *Fuß* و *seiner Tanzpartnerin* ارتباط ملکی وجود دارد. برای بیان بهتر این ارتباط، می‌توان مثال (۲۶) را به ساختارهای زیر تغییر داد:

32. Er ist auf die Füße seiner Partnerin getreten.

33. Er ist ibr auf die Füße getreten.

امکان جایگزینی مفعول غیرصریح ملکی با توصیف اضافی در مثال (۳۲) و همچنین جایگزینی با ضمیر شخصی، در مثال (۳۳) نشان می‌دهد که این مفعول با مفعول غیرصریح وابسته به فعل، متفاوت است.

حالت مفعول غیرصریح نظرگاه، قضاوت و ارزیابی گوینده را درباره چگونگی عمل فعل بیان می‌کند. در مثال (۲۷) ملاحظه می‌کنیم که از نظر بیان‌کننده این جمله، وظیفه یا تکلیفی که برای کودک در نظر گرفته شده، دشوار است. حالت مفعول غیرصریح نظرگاه را می‌توان از طریق قیده‌های جمله مانند *meiner Meinung nach* یا *meines Erachtens* جایگزین کرد.

34. *Meiner Meinung nach* ist die Aufgabe zu schwer.

35. *Meines Erachtens* ist die Aufgabe zu schwer.

حالت مفعول غیرصریح شدت‌نما، با هدف بیان احساس شگفتی یا تأکید بر موضوعی به‌کار می‌رود. نکته قابل‌توجه درباره این حالت دستوری، عدم امکان جایگزینی آن با اسم است. در مثال زیر، مشاهده می‌شود که جایگزینی ضمیر *mir* با گروه اسمی *deiner Mutter* به ساختاری نادرستی می‌انجامد. همچنین امکان انتقال حالت مفعول غیرصریح شدت‌نما به جایگاه پیش از فعل صرف‌شده، وجود ندارد (مثال ۳۸).

36. Du bist mir aber ein lustiger Geselle!

37. \*Du bist deiner Mutter aber ein lustiger Geselle!

38. \*Mir bist du aber ein lustiger Geselle!

در تمامی مثال‌هایی که درباره حالت مفعول غیرصریح ارائه شد، یک نکته مشترک وجود دارد و آن این که برخلاف مفعول غیرصریح وابسته به فعل، این دسته، بدون لطمه به ساختار جمله، قابل حذف هستند.

39. Ich öffne die Tür.
40. Sie hat die alte Vase der Großmutter zerbrochen.
41. Er ist auf die Füße getreten.
42. Die Aufgabe ist zu schwer.
43. Wenn er bloß nicht so viele Dummheiten gemacht hätte.

**حالت مفعول اضافی آزاد:** نوع سوم حالت دستوری آزاد، حالت مفعول اضافی آزاد نامیده می‌شود که مشابه دو نوعی که پیش‌تر مطرح شد، حالت دستوری خود را بدون وابستگی به عنصر دیگری در جمله، دریافت کرده است. علاوه بر این، علت شباهت بیشتر حالت مفعول اضافی آزاد با حالت مفعول صریح آزاد، این است که هر دو نقش نحوی قید را برعهده دارند. چنین شباهتی میان حالت مفعول اضافی آزاد و حالت مفعول غیرصریح آزاد، مشاهده نمی‌شود.

44. Das wirst du eines Tages bereuen.
45. Sie kam eines Nachts und blieb für immer.
46. Wir haben dieser Tage Änderungen auf unserer Homepage durchgeführt.

عناصر برجسته‌شده در مثال‌های بالا در حالت دستوری مفعول اضافی واقع شده‌اند، اما این حالت دستوری تحت تأثیر هیچ عنصری در جمله نیست. در مثال‌های (۴۴) *eines Tages*، (۴۵) *eines Nachts* و (۴۶) *dieser Tage* حالت اضافی آزاد در نقش قید زمان نمود یافته و از همین‌رو نیز با کلمه پرسشی *wann* سوالی می‌شود.

47. Sehenden Auges hat er Datenschutzverstöße in Kauf genommen.
48. Wir sind fast stehenden Fußes ab zum Bahnhof, zum Zug, weg.
49. Sie verabschiedeten sich erhobenen Hauptes aus dem Turnier.
50. Fühlen wir uns gut, schreiten wir leichten Schrittes durch die Welt.

در مثال‌های بالا نیز با نقش قیدی حالت مفعول اضافی آزاد روبرو هستیم. تفاوت این نقش با مثال‌های قبلی در آن است که این عناصر، نقش قید حالت را برعهده گرفته‌اند. در هر چهار مثال، ترکیبی از صفت و اسم با حالت دستوری مفعول اضافی آزاد به‌کمک ساخت قید حالت آمده است.

## روش تحقیق

با هدف کاربردی کردن این پژوهش، بخش اصلی مقاله حاضر را که معطوف به تمایز میان حالت‌های دستوری مختلف در زبان آلمانی است، مورد بررسی داده‌محور قرار دادیم. به‌همین منظور، از ۲۸ دانشجوی مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات آلمانی دانشگاه شهید بهشتی برای شرکت در آزمون، دعوت به‌عمل آمد. دانشجویان به دو گروه چهارده نفره تقسیم شدند. گروه اول یا گروه آزمایشی (Versuchsgruppe) شامل ۱۴ دانشجو (نه دانشجوی دختر و پنج دانشجوی پسر ۱۹ تا ۳۰ سال) بودند. این گروه در پایان ترم پنج تحصیلی بودند و در واحد درسی «زبان‌شناسی تخصصی آلمانی» به‌مدت یک جلسه (۹۰ دقیقه) از طریق آموزش حضوری با موضوع «حالت دستوری آزاد در زبان آلمانی» آشنا شدند و تمرین‌هایی نیز در این زمینه انجام دادند. گروه دوم یا گروه گواه (Kontrollgruppe) نیز شامل ۱۴ دانشجو (ده دانشجوی دختر و چهار دانشجوی پسر ۱۸ تا ۲۶ سال) بود. دانشجویان گروه گواه هنگام شرکت در آزمون، در پایان ترم سوم تحصیلی بودند و تنها در درس‌های «تحلیل دستوری (صرف)» و «مبانی زبان‌شناسی» با کلیاتی درباره ساختار زبان آلمانی آشنا شدند. پس از پایان آموزش به گروه آزمایشی، هر دو گروه در آزمون شرکت کردند. آزمون شامل سه بخش بود. در بخش نخست، شش جمله طرح و از شرکت‌کنندگان درخواست شد تا مفعول صریح وابسته به فعل را مشخص کنند. در بخش دوم، پنج جمله طرح و از شرکت‌کنندگان درخواست شد تا مفعول غیرصریح وابسته به فعل را تعیین کنند. در بخش سوم و پایانی آزمون، هفت جمله در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد تا مفعول اضافی وابسته به فعل جمله را تعیین کنند. در پایان، نتایج حاصل از هر دو گروه در هر سه بخش مورد آزمایش، بررسی و ارزیابی شد.

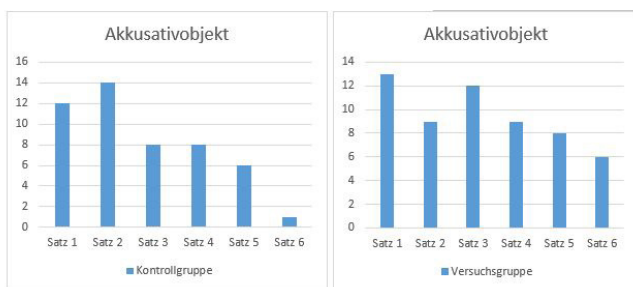
## یافته‌ها

در این بخش، علاوه بر معرفی آزمون که شامل سه بخش مجزاست، نتایج به‌دست‌آمده از هر دو گروه آزمایشی و گروه گواه را مورد بررسی و ارزیابی قرار دادیم. در ادامه، شش جمله مربوط به تشخیص مفعول صریح ملاحظه می‌شود.

1. Er wiegt 80 kg.
2. Sie wiegt ein Paket.

3. Die Entfernung vom Hotel zum Strand beträgt 500 Meter.
4. Die Eier kosten zwanzig Cent pro Stück.
5. Seine Unachtsamkeit in Straßenverkehr kostete ihn das Leben.
6. Wir haben den ganzen Tag geschlafen .

از مجموع شش جمله بالا، تنها جملات شماره (۲) و (۵) دارای مفعول صریح وابسته به فعل هستند و سایر جمله‌ها، مفعول صریح آزاد را نشان می‌دهند.



نمودار ۱: مقایسه پاسخ‌های صحیح گروه آزمایشی و گروه گواه در بخش مفعول صریح

در جدول پایین، ملاحظه می‌شود که در جملات (۱)، (۳)، (۴) و (۶) که مربوط به حالت دستوری مفعول صریح آزاد هستند، گروه گواه نتایج ضعیف‌تری کسب کرده است. تنها موردی که تعداد پاسخ صحیح گروه گواه بیشتر از گروه آزمایشی است، جمله (۲) است که آن هم مربوط به مفعول صریح وابسته به فعل می‌باشد، نه حالت دستوری آزاد.

جدول ۱: مفعول صریح

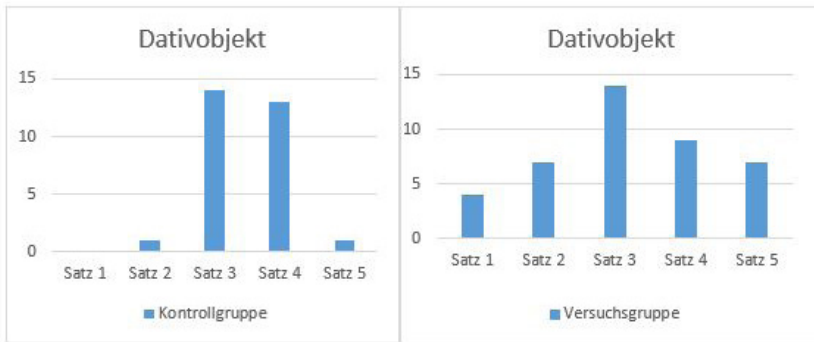
Akkusativobjekt	Satz 1	Satz 2	Satz 3	Satz 4	Satz 5	Satz 6
Versuchsgruppe	13	9	12	9	8	6
Kontrollgruppe	12	14	8	8	6	1

در ادامه، پنج جمله مربوط به تشخیص مفعول غیر صریح مشاهده می‌شود.

1. Das Kind trägt seiner Mutter die Einkaufstasche.
2. Die Musik war ihm zu laut.
3. Die Mutter gab dem Kind einen Apfel.
4. Jemand hat mir das Geldbeutel gestohlen.

5. Hans repariert dem Nachbarn das Auto.

از مجموع پنج جمله بالا، تنها جملات شماره (۳) و (۴) دارای مفعول غیرصریح وابسته به فعل هستند و سایر جملات، مفعول غیرصریح آزاد را نشان می‌دهند.



نمودار ۲: مقایسه پاسخ‌های صحیح گروه آزمایشی و گروه گواه در بخش مفعول غیرصریح در جدول شماره (۲) مشاهده می‌شود که در جملات شماره (۱)، (۲) و (۵) که شامل حالت دستوری مفعول غیرصریح آزاد است، مشابه قبل، تعداد پاسخ‌های صحیح گروه آزمایشی، به مراتب بیشتر از گروه گواه است. در این بخش نیز تنها در جملاتی که مربوط به مفعول غیرصریح وابسته به فعل است، تعداد پاسخ‌های صحیح گروه گواه در یک مورد برابر و در مورد دیگر، بیشتر از گروه آزمایشی است. اما چنانچه اشاره شد، در باره حالت دستوری آزاد این تشخیص از سوی شرکت‌کنندگان در آزمون (گروه گواه) دیده نمی‌شود.

جدول شماره (۲): مفعول غیرصریح

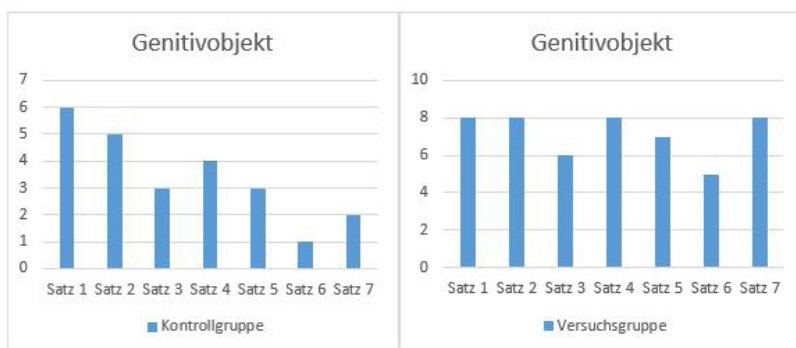
Dativobjekt	Satz 1	Satz 2	Satz 3	Satz 4	Satz 5
Versuchsgruppe	4	7	14	9	7
Kontrollgruppe	0	1	14	13	1

در ادامه، هفت جمله مربوط به تشخیص مفعول اضافی ملاحظه می‌شود.

1. Sie kam eines Nachts und blieb für immer.
2. Das wirst du eines Tages bereuen.
3. Das System rannte sehenden Auges in die Krise.

4. Wir sind fast stehenden Fußes ab zum Bahnhof, zum Zug, weg.
5. Erhobenen Hauptes standen sie vor ihm.
6. Wir gedenken heute der Opfer des zweiten Weltkrieges.
7. Das bedarf keiner Erklärung.

از مجموع هفت جمله بالا، تنها جملات شماره (۶) و (۷) دارای مفعول اضافی وابسته به فعل هستند و سایر جملات، مفعول اضافی آزاد را نشان می‌دهند.



نمودار ۳: مقایسه پاسخ‌های صحیح گروه آزمایشی و گروه گواه در بخش مفعول اضافی

در جدول شماره (۳) ملاحظه می‌کنیم که در تمامی موارد، پاسخ‌های گروه گواه ضعیف‌تر از گروه آزمایشی است. حتی در جملات (۶) و (۷) که مربوط به مفعول اضافی وابسته به فعل هست نیز تعداد پاسخ‌های صحیح گروه آزمایشی بیشتر از گروه گواه است.

جدول شماره (۳): مفعول اضافی

Genitivobjekt	Satz 1	Satz 2	Satz 3	Satz 4	Satz 5	Satz 6	Satz 7
Versuchsgruppe	8	8	6	8	7	5	8
Kontrollgruppe	6	5	3	4	3	1	2

در مجموع، در هیچ‌کدام از بخش‌های مورد پرسش در آزمون، گروه گواه نتایج بهتری از گروه آزمایشی کسب نکرد. این نتیجه می‌تواند بیانگر اهمیت پرداختن به موضوع حالت دستوری آزاد داشته باشد.



### نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به موضوع حالت دستوری آزاد در زبان آلمانی پرداختیم. با ارائه نمونه‌هایی، حاکمیت حالت دستوری و مطابقت آن با دستوری را معرفی کردیم. سپس انواع حالت دستوری آزاد را مورد بررسی قرار دادیم. روشن شد که حالت دستوری مفعول صریح آزاد که نقش دستوری قید را می‌پذیرد، در چه مواردی نمود می‌یابد. همچنین انواع حالت دستوری مفعول غیرصریح آزاد مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه، علاوه بر معرفی حالت دستوری مفعول اضافی، به این نکته نیز اشاره شد که وجه اشتراک حالت دستوری با حالت دستوری مفعول صریح آزاد، در این است که هر دو نقش دستوری قید را در جمله ایفا می‌کنند. در ادامه، با هدف کاربردی کردن این پژوهش، بخش اصلی مقاله حاضر را که معطوف به تمایز میان حالت‌های دستوری مختلف در زبان آلمانی است، مورد بررسی داده‌محور قرار دادیم. در همین ارتباط، نمونه‌هایی از هر سه حالت دستوری غیرفاعلی آزاد را در اختیار دو گروه آزمایشی و گواه قرار دادیم. نتیجه آزمون نشان داد که در تمامی موارد، پاسخ صحیح شرکت‌کنندگان گروه آزمایشی که با انواع حالت‌های دستوری آزاد آشنا شده بودند، بیشتر از گروه گواه بود. علاوه بر این، نتیجه نشان داد که آشنایی زبان‌آموزان با حالت دستوری آزاد، آن‌ها را در تمایز میان نقش دستوری قید با نقش‌های دستوری وابسته به فعل، کمک خواهد کرد.

## **Free Case in German**

**Kaveh Bahrami Sobhani<sup>1</sup>**

### **Abstract**

In the German language, grammatical case refers to the way nouns, pronouns, and articles change their forms based on their syntactic function within a sentence. German has four grammatical cases: nominative (subject), accusative (direct object), and dative (indirect object), and Genitive (possession). Each case serves a specific purpose in indicating the role of a noun or pronoun in relation to the action or state described by the verb. Grammatical case is granted in two ways: case government/ rection, and case congruence. There is, however, also a third type of case, known as free case, which is not influenced by any factor in the sentence. Free case is more related to the semantic roles rather than the syntactic features of the sentence. This paper seeks to introduce free case and show the ways to distinguish it from the grammatical case which is given through various lexical elements. To this end, it is attempted to show the way to distinguish free through various tests. Also, by comparing two groups of language learners, it is shown that awareness free case plays a significant role in recognizing syntactic roles.

**Introduction:** The German language has four grammatical cases: Nominative (Nominativ)– subject, Accusative (Akkusativ)– direct object, Dative (Dativ)– indirect object, and Genitive (Genitiv)– possessive. Grammatical case is mostly responsible for determining the syntactic-semantic relations in the sentence. In languages that have a relatively free sequence of words, case can pave the way to recognize grammatical relations and understand semantic relationships. Grammatical case is formed in two ways: 1. case government/ rection, and 2. case congruence. Case government/ rection is the syntactic relationship between two linguistic phrases. That is to say that the first linguistic element determines the grammatical

---

1. Associate Professor, Department of German Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

features of the second linguistic element that is dependent on it. In the German language, four lexical categories determine grammatical case: verb, preposition, adjective and noun. In the second type of grammatical case assignment, the noun phrase takes the grammatical case of another noun phrase without being dependent on it. Case congruence is observed in predictive nominal phrases, conjunctive phrases and apposition. There exists, however, yet another grammatical case which is called “free case”. The complications related to free case, which will be discussed in the present paper, are due to the fact that the reason for its appearance in the sentence is not clear, and it is often considered by language learners as a direct object. In this research, in addition to introducing free case and its types, the ways of distinguishing this type of grammatical case from the grammatical case that are granted through lexical elements in the sentence are shown. It is sought to investigate the extent to which language learners are familiar with free case and whether they can distinguish the syntactic functions formed through free case from those dependent on the verb of the sentence. It is hypothesized that lack of knowledge about free case would make language learners face problems in recognizing syntactic functions. Therefore, in the experimental phase of this study, two groups of language learners were asked to participate in a related test.

**Background of Study:** In a book titled “Grammatical Case” Sahel, (2018) has discussed in detail the various dimensions of case. In this book, in addition to discussing topics such as case government, case congruence, and the relationship between semantic roles and grammatical case, the writer also discusses how grammatical case is learned by children. Czepluch (1996) compared grammatical case in German and English languages. On the other hand, Dürscheid (1999) tried to provide a comprehensive definition and description of grammatical case from the point of view of syntax and meaning. Also, Einsenbeiß (1994) addressed the relationship between grammatical case and word sequence in the German language and examined the learning of these issues in the first language. Marks (2014) discussed

the issue of teaching grammar to immigrant students and the difficulties faced by language teachers. Also, Vater (2006) referred to the issue of features of the grammatical case in the construction of apposition, and, in 2015, in another study, examined the issue of changes and fluctuations in the grammatical case in contemporary German. In her doctoral thesis, Egorova (2006) discussed the issue of grammatical case in German language, examining the adverbial role of direct and indirect objects in nominal groups and their corresponding grammatical cases.

**Methodology:** With the aim of applying this research, the main part of the present article, which is focused on the distinction between different grammatical cases in the German language, was investigated through data collection. To this end, 28 undergraduate students in the field of German language and literature at Shahid Beheshti University were invited to participate in the test. The students were divided into two groups of fourteen participants. The experimental group consisted of 14 students (nine female and five male students in the age range of 19 to 30 years). The experimental group participants who were at the end of their fifth semester participated in a 90-minute face-to-face session in the course “Advanced German Linguistics” and learned about “Free Case in German Language”. The control group also included 14 students (ten female and four male students in the age range of 18 to 26 years). The students in the control group, who were at the end of their third semester when they participated in the test, had only learned about the structure of the German language in the courses “Grammatical Analysis” and “Basics of Linguistics”. After the training of the experimental group, both groups participated in the test which consisted of three sections. In the first section of the test, six sentences were presented and the participants were asked to identify the direct object of the verb. In the second part, five sentences were presented and the participants were asked to determine the indirect object of the verb. In the third and final part of the test, seven sentences were presented to the participants and they were asked to determine the object related to the verb of the sentence. In the

end, the results obtained from both groups in all three sections were analyzed.

**Conclusion:** In the present study, free grammatical case in German language was discussed. Case government and case congruence were also introduced through various examples. It was shown in what cases the free grammatical case of the direct object, which takes the grammatical role of the adverb, is manifested. Also, the types of grammatical case of the free indirect object were delved into. Next, in addition to introducing the grammatical case of the indirect object, it was also pointed out that this grammatical case shares a common feature with the grammatical case of the direct object, in which both of them play the grammatical role of the adverb in the sentence. Next, with the aim of applying this research, the main part of the present study, which is focused on the distinction between different grammatical cases in the German language, was examined in a data-oriented way. To this end, examples of all three grammatical Oblique case were given to the experimental and control groups. The results revealed that in all cases, the number of correct answers by the participants of the experimental group who were familiar with the types of free grammatical cases was more compared to the control group. It was also found that familiarizing language learners with the free grammatical case will help them distinguish between the grammatical functions of adverbs and the grammatical functions of verbs.

**Keywords:** Grammatical case, grammatical functions, German language, syntax, German language education/ teaching

## References

- Czepluch, Hartmut. Kasus im Deutschen und Englischen. Ein Beitrag zur Theorie des abstrakten Kasus. Tübingen: Niemeyer, 1996.
- Dürscheid, Christa. Die verbalen Kasus des Deutschen. Untersuchungen zur Syntax, Semantik und Perspektive. Berlin: de Gruyter, 1999.
- Egrova, Olga. Adverbiale Kasus des Deutschen. Eine Untersuchung der Genitive und Akkusative in adverbialer Funktion. Dissertation. Berlin: Humboldt Universität zu Berlin, 2006.
- Eisenbeiß, Sonja. Kasus und Wortstellungsvariation im deutschen Mittelfeld. Theoretische Überlegungen und Untersuchungen zum Erstspracherwerb. In: Haftka, Brigitta (Hg.), Was determiniert Wortstellungsvariation? Studien zu einem Interaktionsfeld von Grammatik, Pragmatik und Sprachtypologie. Wiesbaden: VS Verlag für Sozialwissenschaften (1996): 277-298.
- Marx, Nicole. Kasuszuweisung und Kasuslehre bei Schülern mit Migrationshintergrund: eine differenzierte Betrachtung. In: Ahrenholz, Bernt (Hg.), Zweitspracherwerb im Jugendalter. Berlin: de Gruyter Mouton, (2014): 99-124.
- Sahel, Said. Kasus. Heidelberg: Universitätsverlag Winter, 2018.
- Vater, Heinz. Kasus in Appositionen. In: *Lyon Linguistique Allemande* 8 (2006): 1-18.
- Vater, Heinz. Kasusveränderungen im gegenwärtigen Deutschen. In: *Zeitschrift des Verbandes Polnischer Germanisten* 4.3 (2015): 217-232.